

مداخله‌های پیشگیرانه خانواده‌محور: تأثیر بر روابط والد - کودک و روش‌های تربیتی والدین

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۲

محسن شکوهی یکتا^{۱*}، اکرم پرند^۲، محبوبه درگاهی^۳

چکیده

زمینه و هدف: بسیاری از والدین با سبک تربیتی خود فرصت اندیشیدن و یافتن راه حل مشکلات را به فرزندان خود نمی‌دهند؛ این امر احتمال بروز مشکلات رفتار را در فرزندان افزایش می‌دهد. در راستای پاسخدهی به این نیاز والدین بسته‌های آموزشی متفاوتی طراحی و اجرا شده است که یکی از آنها کودک متفکر نام دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش کودک متفکر به عنوان یک روش تربیتی خانواده‌محور مبتنی بر مهارت‌های حل مسئله، بر سبک‌های تربیتی و تعامل والد-کودک است.

روش: گروه نمونه شامل ۴۰ نفر از والدین نوآموزان پیش‌دبستانی و دانش‌آموزان پایه اول دبستان بوده است. روش پژوهش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و تک‌گروهی بوده است. برنامه آموزشی کودک متفکر با هدف تغییر الگوهای فرزندپروری طراحی شد. این برنامه آموزشی در ۹ جلسه ۲ ساعته در هر هفته برگزار شد. به منظور ارزیابی اثربخشی برنامه از پرسشنامه روش‌های تربیتی (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۶) و پرسشنامه رابطه والد-کودک (جرارد، ۱۹۹۴) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش روش حل مسئله به والدین به‌طور معناداری در بهبود سبک تربیتی والدین مؤثر بوده است ($p < 0/01$) و نیز برنامه آموزشی به والدین میانگین خرده‌مقیاس‌های رضایت‌مندی و ارتباط را در رابطه والد-کودک به‌طور معناداری تغییر داده است ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: برنامه آموزشی کودک متفکر به والدین می‌تواند کمک کند تا از روش‌های مؤثر نظیر حل مسئله به جای روش‌های غیر مؤثر نظیر تنبیه استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های تربیتی، ارتباط والد-کودک، فرزندپروری

۱. *نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (myekta@ut.ac.ir)

۲. پسادکتری روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

والدین نخستین معلمان آموزش مهارت‌های اساسی به کودکان به شمار می‌روند. آنها باید مهارت‌های حل مسئله، قضاوت اخلاقی، خلاقیت و اشتیاق برای رسیدن به اهداف در زندگی و خودنظم‌دهی را در طول تحول کودکان به آنها آموزش دهند؛ از فرزندان‌شان حمایت کنند، رفتارهای آنها را مدیریت کرده و الگوهای مناسبی را برای آنها فراهم نمایند تا به فرد سازنده و مؤثری در جامعه تبدیل شوند. همزمان که والدین فرزندان خردسال خود را یاری می‌دهند تا از مرحله وابستگی به کسب استقلال گام بردارند، فرصت‌های بی‌شماری برای ایجاد مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری در فرزندان ایجاد می‌شود. کودکان هر روز با تصمیم‌ها و انتخاب‌های هر چند کوچک مواجهند. مهارت حل مسئله کودکان را قادر می‌سازد تا در مواجهه با کشاکش‌ها و رویدادهای مهارپذیر، امکانات گوناگون پیرامون خود را شناسایی کنند و در جهت تصمیم‌گیری مناسب و حل مسئله به کار ببرند. این مهارت کودکان را یاری می‌دهد تا موانع احتمالی انتخاب‌های خود را پیش‌بینی کرده و با هر اشتباه به عنوان تجربه برخورد نمایند (۱ و ۲).

والدین و تجارب والدگری آنها نیز نقش مهمی در ادراک‌های محیطی کودکان دارد و این ادراک‌ها به نوبه خود نقش مهمی در باورهای انگیزشی و خودنظم‌جویی کودکان برجای می‌گذارد. پذیرش والدین، دادن فرصت انتخاب، تنوع تکالیف، مهارت‌آموزی و حمایت آنها از خودمختاری کودکان نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در خودکارآمدی کودکان دارد (۳). والدین می‌توانند با فراهم کردن محیط آموزشی غیررسمی، باعث علاقه‌مندی کودک به حل مسئله، مهارت در ارزشیابی، نظارت و هدفمندی شوند (۴). استراتی و همکاران (۴) نیز به این نتیجه رسیدند که تعاملات و آموزش‌های والدین، نقش مهمی در پیش‌بینی یادگیری خودنظم‌جویی کودکان دارند. آموزش‌های فراشناختی و راهبردی والدین به کودکان کمک می‌کند تا

دانش فراشناختی را فراگیرند و در نتیجه خودنظم‌جویی را بهبود ببخشند.

سبک‌های تربیتی ناکارآمد و تعامل نامناسب والد-کودک در طول دوران تحول به ایجاد مشکلات ارتباطی و در نهایت آسیب‌پذیری کودکان در برابر اختلال‌هایی نظیر اضطراب (۵-۹)، مشکلات رفتاری (۱۰) و آسیب‌های روان‌شناختی (۱۱)، منجر خواهد شد. شاید به همین دلیل است که امروزه آموزش والدین با هدف بهبود تعامل والد-کودک مورد توجه قرار گرفته است.

حل مسئله یک ابزار، مهارت و فرایند است، ابزار است، زیرا می‌تواند در حل یک مسئله یا دست‌یابی به یک هدف ما را یاری دهد؛ مهارت است زیرا فرد یک بار آن را می‌آموزد و می‌تواند به کرات از آن استفاده کند و فرایند است زیرا شامل مراحل است. زمانی که فرد بخواهد به هدفی دست یابد یا بر مانعی غلبه کند از فرایند حل مسئله استفاده می‌کند.

مراحل منطقی حل مسئله شامل این مراحل است، اول: تلاش برای شناسایی مشکل زمانی که روی می‌دهد، دوم: تعریف مسئله، سوم: تلاش برای فهم مسئله، چهارم: تعیین هدف‌هایی در ارتباط با مسئله، پنجم: جمع‌آوری راه‌حل‌های ممکن، ششم: ارزیابی و انتخاب بهترین راه‌حل، هفتم: اجرای راه‌حل انتخاب‌شده و هشتم: ارزیابی اثربخشی تلاش در جهت حل مسئله (۱۲).

روش آموزش مهارت‌های حل مسئله اساساً منعکس‌کننده رویکردی در پیشگیری از ناتوانی‌های روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید که وجود ارتباط بین مهارت حل مسئله و سازش افراد را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که آموزش مهارت حل مسئله به والدین موجب شده تا رفتارهای پرخاشگری و مقابله‌ای در کودکان کاهش یافته و این کودکان به شایستگی اجتماعی و هیجانی مطلوب دست یابند (۱۴ و ۱۳).

از شیوه‌های کارآمد تعاملی با کودک در حل مسائلی است که در ارتباط با والدین و همسالان برای کودک پیش می‌آید.

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: مطالعه حاضر از نوع شبه‌آزمایشی^۱ با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون تک‌گروهی است. جامعه پژوهش حاضر شامل والدین کودکان مدارس غیردولتی شهر تهران است. گروه نمونه شامل ۴۰ نفر از والدین (۲۴ مادر و ۱۶ پدر) دانش‌آموزان دختر (میانگین سن ۵/۷۴ و انحراف استاندارد ۰/۶۷) و داوطلب شرکت در کارگاه‌های آموزشی بوده که به صورت در دسترس انتخاب شدند.

ب) ابزار

۱. پرسشنامه روش‌های تربیتی والدین^۲: این پرسشنامه توسط شکوهی‌یکتا و پرند (۱۳۸۶) تهیه و تدوین شد که یک مقیاس خودگزارشی است و شامل ۱۲ موقعیت است که در هر موقعیت، نحوه برخورد والدین با رفتارهای چالش‌برانگیز کودکان بررسی می‌شود. پاسخ‌دهی براساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت است که هر گزینه یکی از روش‌های چهارگانه تعامل والدین با کودک (تنبیه^۳، توصیه بدون توضیح^۴، توصیه همراه با توضیح^۵ و روش تعاملی حل مسئله^۶) را در موقعیت مورد نظر مطرح می‌کند و نمرات بیشتر، نشان‌دهنده سطوح بالاتر سبک تربیتی مرتبط با آن است. روایی این ابزار بوسیله سه متخصص روان‌شناس مورد تایید قرار گرفته و اعتبار این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است (۱۹).

۲. پرسشنامه تعامل والد- کودک^۷: این پرسشنامه توسط جرارد (۱۹۹۴) طراحی شده و شامل ۷۸ گویه، ۷ خرده‌مقیاس اصلی و یک خرده‌مقیاس روایی است. پاسخ‌دهی در مقیاس لیکرت با چهار گزینه (خیلی موافقم، موافقم، مخالفم و خیلی مخالفم)

شریفی (۱۵) در پژوهشی که به تأثیر آموزش سبک‌های حل مسئله بر میزان حرمت خود دانش‌آموزان ۱۱ تا ۱۳ سال دارای مشکلات ارتباطی پرداخته است به این نتیجه رسید که آموزش سبک‌های حل مسئله در این گروه از دانش‌آموزان مؤثر است و تفاوت معنی‌داری بین دو گروه دانش‌آموز دختر و پسر وجود ندارد. کلمن و تامسون (۱۶) نشان دادند مادران کودکانی که احساس امنیت و خودکفایی کمتری دارند، در ارتباط با فرزندان خود از دستور دادن و توصیه راه حل به صورت مستقیم نسبت به روش‌های راهنمایی غیرمستقیم بیشتر استفاده کرده‌اند. این کودکان به راحتی ناامید می‌شوند و از تلاش دست برمی‌دارند و قبل از تلاش برای یافتن راه حل مشکل به دنبال کمک می‌گردند (۱۷). لندری و همکاران (۱۸) در پژوهشی با عنوان والدین پاسخگو، به آموزش مادران دارای نوزاد کم‌وزن با هدف بهبود مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی و حل مسئله پرداختند. شواهد نشان داد که رفتارهای پاسخگو در مادران گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل افزایش معناداری یافت. شکوهی و همکاران (۱۹) نیز در پژوهشی نشان دادند که آموزش راهبردهای حل مسئله به والدین در بهبود تنیدگی والدین و نیز بهبود روش‌های تربیتی والدین تأثیر گذار است. همچنین، در یک فراتحلیل درباره ارزیابی برنامه‌های آموزشی والدین در سازگاری و بهبود رفتار فرزندان ۰ تا ۷ ساله بر اهمیت آموزش مهارت‌های حل مسئله به والدین و آموزش والدین برای بهبود مهارت‌های شناختی، تحصیلی، و اجتماعی فرزندان تأکید شد (۲۰).

پژوهش حاضر به دنبال ارائه آموزش در زمینه مهارت تفکر به شیوه حل مسئله در قالب برنامه‌های آموزشی به والدین جوان، برای افزایش مهارت‌های کودک در برخورد مؤثر با مسائل مختلف در خانه و محیط بیرون خانه، از طریق بهبود تعامل‌های والد- کودک است. توجه اصلی بر آموزش والدین در استفاده

5. advice without explanation

6. problem solving

7. Parent- Child Interaction Questionnaire

1. Pseudo- Experimental

2. Parenting Styles Questionnaire

3. punishment

4. advice with explanation

۲. پله دوم سبک توصیه بدون توضیح است. در این دو پله کودک تقریباً فقط نقش اجراکننده دستورها یا پیشنهادها را دارد.

۳. پله سوم والدین پیشنهاد خود را همراه با توضیحاتی ارائه می‌دهند. این توضیحات می‌تواند درباره پیامد کار یا توجه به احساس فرد مقابل باشد.

۴. پله نهایی شامل کارآمدترین روش تعاملی دوسویه است که با طرح سوال، کودک را به تفکر وامی‌دارد. در حین تمرین‌های این مرحله، کودکان با واژه‌هایی آشنا می‌شوند که «واژه حل مسئله» نام‌گذاری شده‌اند و بر سه پایه اساسی درک احساس‌ها، یافتن راه‌حل جایگزین و توجه به پیامدها استوار است. وجود این واژه‌ها بر این اساس است که داشتن زبان مشترک، یک قدم بسیار مهم در حل یک تعارض یا مشکل است (۲۲). به عنوان مثال از واژه‌های حل مسئله می‌توان هست/ نیست، حالا/ بعداً و مشابه/ متفاوت را نام برد که در راستای آن کودک یاد می‌گیرد چه زمانی برای چه کاری مناسب هست/ نیست، و این که زمان مناسب برای هر چیز متفاوت است. بعد از این که این واژه‌ها در موقعیت‌های مشکل‌زا با کودکان تمرین شدند، والدین در تعامل با کودک به پله چهارم که هدف نهایی این کارگاه است، نزدیک می‌شوند.

(د) روش اجرا: ابتدا والدین در پی فراخوانی با همکاری مسئولان مدرسه در زمینه شرکت در کارگاه آموزشی با عنوان «تربیت کودک اندیشمند» اعلام آمادگی کردند. این افراد در یک جلسه توجیهی که مسئولان کارگاه‌ها برگزار کردند و در آن اهداف، نحوه برگزاری و خلاصه‌ای از عناوین کارگاه‌ها معرفی شد، شرکت کردند و در نهایت از والدینی که برای شرکت در کارگاه تمایل داشتند، ثبت نام به عمل آمد. کارگاه‌ها هفته‌ای یک‌بار در نه جلسه دو ساعته برگزار شدند. در طی هر کارگاه مجریان مجرب و آموزش دیده به آموزش

صورت می‌گیرد. این پرسشنامه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می‌کند و توسط والدین تکمیل می‌شود. به هر گویه نمره‌ای از ۱ تا ۴ تعلق می‌گیرد. حمایت والدینی، رضایت از والدگری^۱، مشارکت^۲ در والدگری، ارتباط^۳ با فرزند، ایجاد محدودیت^۴، خودمختاری^۵ و جهت‌گیری نقش^۶ از مقیاس‌های اصلی و مقبولیت اجتماعی^۷ مقیاس روایی است. قابلیت اعتماد این ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و با روش بازآزمایی ۰/۸۱ گزارش شده است. در این پژوهش قابلیت اعتماد این ابزار با روش آلفای کرونباخ به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۷۸ و به روش دو نیمه کردن بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۶ بوده است (۱۴).

(ج) برنامه مداخله‌ای: کارگاه تربیت کودک متفکر برای والدین کودکان ۴-۸ ساله در ۹ جلسه ۲ ساعته طراحی شده است. در جلسه اول دفترچه راهنمایی که تمرین‌های خانه در آن وجود دارد به والدین داده شد. در هر جلسه علاوه بر توضیح نکات جدید، تمرین‌های جلسه قبل بحث و بررسی گردید و به سؤالات و مشکلات والدین پاسخ داده شد. در این کارگاه‌ها سعی شده است که تمرین‌هایی برای کودکان طراحی شود که جنبه بازی و تفریح داشته و برای کودکان لذت‌بخش باشد؛ بنابراین فعالیت‌ها به صورت بازی یا نقاشی به کودک ارائه می‌شوند. همچنین تکالیف با استفاده از موقعیت‌های آشنا که کودک و والدین معمولاً با آنها مواجهند، طراحی شده‌اند (۲۱). در هنگام شروع کارگاه، والدین با سبک‌های مختلف تعاملی خود در ارتباط با کودکان آشنا می‌شوند. این سبک‌ها به صورت چهار سطح طبقه‌بندی شده‌اند که برای والدین با نام چهار پله رفتاری تعریف شده‌اند:

۱. در پله یکم یکی از سبک‌های ناکارآمد تعاملی یعنی تنبیه و تحقیر آمده است.

5. Autonomy
6. Role Orientation
7. Social Desirability

1. Satisfaction with Parenting
2. Involvement
3. Communication
4. Limit Setting

والدین و حل مشکلات احتمالی آنها در انجام تمرین ها و در ارتباط با کودکان می پرداختند.

یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی گروه نمونه نشان داد که ۱۶/۷ درصد از این والدین دارای تحصیلات دیپلم، و ۴۵/۸ درصد لیسانس و ۳۷/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر؛ ۴۵/۸ درصد

ایشان شاغل و ۵۴/۲ درصد غیر شاغل بوده اند. ۶۶/۷ درصد از ایشان دارای یک فرزند و ۳۳/۳ درصد دارای دو فرزند بوده اند. با توجه به این که هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان تغییرات میانگین نمرات والدین در خرده مقیاس های ابزارهای مورد استفاده در مراحل پیش آزمون و پس آزمون بود؛ اندازه گیری با استفاده از آزمون t وابسته استفاده شد که نتایج آن در جداول ۱ و ۲ آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون t وابسته برای خرده مقیاس های پرسش نامه روش های تربیتی والدین

خرده مقیاس	میانگین پیش آزمون	میانگین پس آزمون	تفاوت میانگین ها	SD	SEM	df	T	P
تنبيه	۳۰/۳۶	۲۳/۲۲	-۷/۱۴	۷/۳۲	۱/۱۵	۳۹	-۶/۱۵	۰/۰۰۱
توصیه بدون توضیح	۳۶/۹۶	۳۳/۱۰	-۳/۸۶	۶/۰۶	۰/۹۵	۳۹	-۴/۰۲	۰/۰۰۳
پیشنهاد همراه با توضیح	۲۸/۳۸	۲۳	-۵/۳۸	۶/۳۱	۰/۹۹	۳۹	-۵/۳۸	۰/۰۰۰
حل مسئله	۳۶/۴۱	۴۵/۷۱	-۹/۳	۶/۹۴	۱/۰۹	۳۹	۸/۴	۰/۰۰۴

جدول ۱ نشان می دهد که میانگین سه خرده مقیاس تنبيه، توصیه بدون توضیح، پیشنهاد همراه با توضیح در مرحله پس آزمون کاهش و خرده مقیاس روش تعاملی حل مسئله

افزایش یافته است. در ضمن میزان تغییرات کلیه این خرده مقیاس ها در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار است.

جدول ۲. نتایج آزمون t وابسته خرده مقیاس های پرسشنامه تعامل والد- کودک

خرده مقیاس	میانگین پیش آزمون	میانگین پس آزمون	میانگین تغییرات	SD	SEM	df	T	P
رضایت مندی	۴۰/۲۶	۴۱/۴۴	-۱/۱۸	۴/۰۳	۰/۶۳	۳۹	-۱/۸۵	۰/۰۱۷
ارتباط	۳۴/۶۱	۳۵/۸۸	-۱/۲۸	۲/۷	۰/۴۳	۳۹	-۲/۹۵	۰/۰۰۵
محدودیت	۳۲/۷۳	۳۴/۰۹	-۱/۳۶	۴/۵	۰/۷۱	۳۹	-۱/۹۰	۰/۰۶۴

جدول ۲ نشان می دهد که تجربه کارگاه آموزشی میانگین خرده مقیاس های رضایت مندی، محدودیت و ارتباط را تغییر داده است، این تغییر در خرده مقیاس های رضایت مندی و ارتباط در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار است، ولی درباره خرده مقیاس محدودیت، این تغییر معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

کاربرد برنامه آموزشی والدین برای رشد اجتماعی و مهارت های مقابله ای مبتنی بر این است که والدین مهم ترین عامل در اجتماعی شدن فرزندان شان هستند (۲۲ و ۲۳). نظریه های یادگیری اجتماعی و سیستمی، تأثیر والدین را به عنوان شریک تعاملی، راهنمای مستقیم و فراهم کننده

فرصت‌های اجتماعی برای کودکان برجسته‌تر می‌سازد (۲۴). علاوه بر این، تاریخچه پژوهشی گسترده‌ای، تفاوت‌های فردی در مطالعه حاضر مقایسه پیش‌آزمون- پس‌آزمون، نشان‌دهنده بهبود مهارت‌های حل مسئله در تربیت فرزندان است. این نتایج همسو با نتایج پژوهش‌های گذشته مهر تاییدی بر اهمیت آموزش مهارت‌های حل مسئله به والدین و کاهش مشکلات رفتاری فرزندان نهاد (۱۳-۲۰). علاوه بر این، والدین از روش‌های تنبیه و توبیخ و دستور دادن و توصیه بدون توضیح و توصیه با توضیح به طور معنی‌داری کمتر استفاده کردند. برنامه آموزشی کودک متفکر که تاکید بر آموزش حل مسئله والدین دارد، در پژوهش‌های گذشته نیز نتایج مثبتی در رفتار فرزندان و مسائل والدگری به ثمر گذاشته است (۲۶-۲۸). همچنین دوره آموزشی کودک متفکر، از طریق والدین، روش‌های حل مسئله و مواجه شدن با مسائل مختلف را به کودکان آموزش می‌دهد. در این کارگاه سعی می‌شود کودکان با تفکر به مسائل پیش آمده راه حل مناسب را بیابند و در واقع والدین، کودکان خود را به اندیشیدن وادار می‌کنند. کودکان یاد می‌گیرند راه حل‌های مختلفی را در نظر گرفته و برای هر مشکلی بیش از یک راه حل قابل اجرا بیابند. بنابراین، والدین با آشنایی با روش‌های بهینه و بکارگیری آن به صورت امتحانی به کیفیت مطلوب آن پی می‌برند، و آن را بصورت باثبات‌تری در زندگی خانوادگی خود انجام می‌دهند.

به منظور بررسی تاثیر آموزش بر تعامل والد- کودک به سه بعد رضایت‌مندی، ارتباط و ایجاد محدودیت پرداخته شد. تجربه کارگاه آموزشی میانگین خرده‌مقیاس‌های رضایت‌مندی، محدودیت و ارتباط را تغییر داده است، این تغییر در خرده‌مقیاس‌های رضایت‌مندی و ارتباط در سطح معناداری است، ولی درباره خرده‌مقیاس محدودیت، این تغییر معنادار نیست.

در توضیح این بخش از نتایج، می‌توان بیان کرد که بعد رضایت‌مندی بیانگر این است که آیا والدین داشتن فرزند را یک موهبت می‌دانند و آیا نقش خود را مثبت ارزیابی می‌کنند،

والدین را با تفاوت‌های فردی در عملکرد اجتماعی، رفتاری و هیجانی کودکان پیوند می‌زند (۲۵).

نمرات پایین در این خرده‌مقیاس نشان‌دهنده لذت کم از والد بودن و نگرانی درباره درستی تصمیم‌گیری‌ها درباره فرزندان است. والدین پس از دوره آموزشی به رضایت مثبت‌تری رسیدند زیرا که در درک و هدایت فرزندان خود مسلط‌تر و موفق‌تر شده‌اند، همواره هنگامی که افراد شناخت عمیق‌تری از موقعیت و مشکلات مرتبط پیدا کنند، به درجه بالاتری از رضایت و خشنودی دست می‌یابند. دومین بعدی که در تعامل والد- کودک به آن پرداخته شده است ارتباط، است که آگاهی والدین از کیفیت تعامل خود با فرزندان در موقعیت‌های مختلف را می‌سنجد. نمرات پایین نشان‌دهنده وجود مشکلاتی در صحبت کردن و برقراری ارتباط با فرزندان است. تفاوت معنادار این خرده‌مقیاس حکایت از کاهش مشکلات در ارتباط والد- فرزند را نشان می‌دهد، چرا که والدین با بکارگیری کمتر تنبیه و توصیه بدون توضیح و توصیه با توضیح و استفاده بیشتر از حل مسئله، تمایل و علاقه را نسبت به والدین در فرزندان‌شان افزایش داده و ارتباط والد- فرزند را به آرامش و ثبات بهتری می‌رساند. همانطور که همواره اثرات طولانی‌مدت و منفی تنبیه در روابط به تأیید رسیده است، تغییر در این شیوه، اثرات معکوس اما مثبتی را به ارمغان می‌آورد. بعد محدودیت، اثربخشی روش‌های نظم و تربیت والدین را می‌سنجد؛ اعمال نظم و تربیت بدون وجود محدودیت، محکوم به شکست است. اگر کودکان انتظارات والدین، حدود و مرزهای خود در روابط و بازی را بدانند احساس امنیت بیشتری کرده و مشکلات رفتاری کمتری از خود نشان می‌دهند. نظم و انضباط از محدود قوانینی است که به زمان طولانی‌تری برای ثبات و عملی شدن نیاز دارد، چه بسا پی‌گیری نتایج حاصل از پژوهش حاضر به معناداری خرده‌مقیاس محدودیت نیز بیانجامد و یا اینکه محدودیت با متغیرهای دیگری مانند ابعاد شخصیتی در ارتباط باشد و ممکن است روش حاضر اثربخشی لازم را در این زمینه نداشته باشد.

لازم به یادآوری است که محتوای برنامه به گونه‌ای بود که تکالیف آن مستلزم برقراری ارتباط میان والد-کودک است و این تعامل تنیدگی را نیست، والد یا کودک را برانگیخته نمی‌کند زیرا جنبه بازی دارد و جذابیت تکالیف به قدری است که هم والد و هم کودک از انجام آن لذت می‌برند. بهبود ارتباط و موفقیت والدین در امر والدگری، به ایجاد رضایت‌مندی بیشتر از والدگری کمک شایانی می‌کند. بنابراین در ارتباط با نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه، پیشنهاد می‌گردد مشاورین محترم مدارس از این روش در جهت بهبود روابط خانوادگی و رفتار دانش‌آموزان بهره گیرند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر حجم نمونه کوچک بود، زیرا احتمال این که اثربخشی آموزش در آزمون‌های

معناداری مشخص نشود را افزایش می‌دهد، همچنین اجرای کارگاه برای نمونه‌های در دسترس بر روایی بیرونی پژوهش تاثیرگذار است. این مطالعه مبتنی بر گزارش‌های والدینی بود، پیشنهاد می‌شود منابع بیشتر اطلاعاتی (همچون کودک و همسالان) به کار رود تا ثبات یافته‌ها را در بافت اجتماعی نشان دهد و سرانجام، پیشنهاد می‌کنیم که اندازه‌های بیشتری از مهارت‌های والدینی در مطالعات آینده مورد توجه قرار گیرد تا ارزیابی وسیع‌تری از اثر بالقوه آموزش به والدین به دست آید.

تشکر و قدردانی: در پایان از والدین محترمی که در پژوهش حاضر شرکت نمودند، قدردانی می‌گردد.

References

1. Thompson RW, PK H. Teaching parents to encourage independent problem solving in preschool-age children. *Lang Speech Hear Serv SCh*. 1984; 15(3):175-81.
2. Patrikakou EN, Weissberg RP, Redding S, HJ W. School-family partnerships: Enhancing the academic, social, and emotional learning of children. *School-family partnerships for children's success*; 2005.
3. Pajares F, Schunk D. The development of academic self-efficacy. *Development of achievement motivation United States*. 2001;7.
4. Stright AD, Neitzel C, Sears KG, Hoke-Sinex L. Instruction begins in the home: Relations between parental instruction and children's self-regulation in the classroom. *J Educ Psychol*. 2001;93(3):456-466.
5. Barbosa J, Tannock R, Manassis K. Measuring anxiety: Parent-child reporting differences in clinical samples. *Depression and Anxiety*. 2002;15(2):61-5.
6. Barrett PM, Rapee RM, Dadds MM, Ryan SM. Family enhancement of cognitive style in anxious and aggressive children. *J Abnorm child psychol*. 1996;24(2):187-203.
7. Chorpita BF, Brown TA, Barlow DH. Perceived control as a mediator of family environment in etiological models of childhood anxiety. *Behav Ther*. 1998;29(3):457-76.
8. Rapee RM. Group treatment of children with anxiety disorders: Outcome and predictors of treatment response. *Aust J Psychol*. 2000;52(3):125-9.
9. Samah BA. Perceived parental overprotection and separation anxiety: Does specific parental rearing serve as specific risk factor. *Asian J Soc Sci*. 2009;5(11):109.
10. Fisher PK, Kane C. Coercion Theory: Application to the Inpatient Treatment of Conduct-Disordered Children. *J Child Adolesc Psychiatr Nurs*. 1998;11(4):129-34.
11. Lieb R, Wittchen H-U, Höfler M, Fuetsch M, Stein MB, Merikangas KR. Parental psychopathology, parenting styles, and the risk of social phobia in offspring: a prospective-longitudinal community study. *Arch Gen Psychiatry*. 2000;57(9):859-66.
12. D'Zurilla TJ, Nezu AM. Problem-solving therapy: A social competence approach to clinical intervention. New York: Springer Publishing Company; 1999.
13. Bauer NS, C W-S. Prevention of behavioral disorders in primary care. *Curr Opin Pediatr*. 2006; 18(6):654-60.
14. Shokoohi - Yekta M, Parand A, Zamani N, Lotfi S, Ayazi M. Teaching problem - solving for parents effects on children's misbehavior. *Procedia social and behavioral sciences*. 2011; 30: 163 - 166. [Persian].
15. Sharifi Daramadi P. Impact on self-esteem problem solving education students 12 to 13 years old with behavior problems in school. *Quarterly Journal of Educational Innovations*. 2006;14(38-63).[Persian].
16. Colman RA, Thompson RA. Attachment security and the problem-solving behaviors of mothers and children. *Merrill-Palmer Q*. 2002;48(4):337-59.
17. Leseman P, Sijsling F, Jap-A-Joe S, Sahin S. Gezinsdeterminanten van de cognitieve ontwikkeling van Nederlandse, Surinaamse en Turkse kleuters van 4-5 jaar. *Pedagogische Studiën*. 1995;72(3):186-205.
18. Landry SH, Smith KE, Swank PR. Responsive parenting: establishing early foundations for social, communication, and independent problem-solving skills. *Developmental psychology*. 2006;42(4):627-642.
19. Shokoohi - Yekta M, Parand A, Akbari S. Effectiveness of teaching problem - solving skills on parental stress and parenting style. *Knowledge and Research in applied psychology*. 2014, 15 (3): 45 - 53. [Persian].
20. Kaminski J H, Valle L A, Filene J H, Boyle C L. A meta - analytic review of components associated with parent training program effectiveness. *J Abnorm Child Psychol*. 2008, 36 (4): 567 - 589.
21. Rose S. Raising A. Thinking Child Workbook: Teaching Young Children How to Resolve Everyday Conflicts and Get Along with Others, by Myrna B. Shure and Theresa Foy Digeronimo. *Soc Work Groups*. 2001;24(3/4):197-.
22. Bugental DB. Acquisition of the algorithms of social life: a domain-based approach. *Psychol Bull*. 2000;126(2):187-219.

23. Maccoby EE, Martin JA. Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. Handbook of child psychology: formerly Carmichael's Manual of child psychology. In: Paul H Mussen, editor. New York: Wily; P:1983.
24. Parke RD, Ornstein PA, Rieser JJ, CE Z-W. A century of developmental psychology. Washington, DC: American Psychological Association; 1994.
25. Collins WA, Maccoby EE, Steinberg L, Hetherington EM, Bornstein MH. Contemporary research on parenting: the case for nature and nurture. Am Psychol. 2000;55(2):218-232.
26. Shokoohi - Yekta M, Akbari zardkhaneh S, Shahabi R. Teaching problem solving for parents: effects on resolving family conflicts and parenting style. Applied psychological research quarterly. 2015, 5 (4): 1 - 12. [Persian].
27. Shokoohi - Yekta M, Akbari zardkhaneh S, Parand A, Pooran F. Promote parental engagement and child with modern training techniques. Journal of psychological models and methods. 2012, 2 (10): 1 - 14.[Persian].
28. Shokoohi - Yekta M, Parand A, Shahaeian A, Akbari S. Training impact parenting styles' problem solving in parenting and angry behavior of parents. Journal of psychological models and methods. 2011, 2(6): 45 - 56. [Persian].

Family-Based Preventive Interventions: Effects on Parent-Child Relationship and Parenting Styles

Mohsen Shokoohi-Yekta¹, Akram Parand², Mahboobeh Dargahi³

Received: March 05, 2016

Accepted: August 02, 2016

Abstract

Background and purpose: Due to their parenting styles, many parents ruin their children's opportunity to think about the problems and find solutions for them, which may increase the likelihood of behavior problems in children. Various training packages have been designed and administered in order to help parents, and raising a thinking child is one of them. The purpose of the present study was to investigate the effects of raising a thinking child training, as a family-based training method, on problem solving, parenting style, and parent-child interaction.

Method: The sample group consisted of Parents of 40 preschool and first grade children, who voluntarily participated in the workshop. Present research was a quasi-experimental study with pretest-posttest and without control group. The workshop included nine weekly two hours training sessions. Data were collected using parenting methods questionnaire (Shokohi-Yekta & Parand, 2006) and parent-child relationship inventory (Gerard, 1994). Parents completed the questionnaires in pretest and posttest.

Results: The findings showed that problem solving training has significantly improved parents' parenting style ($p < .01$). Furthermore, the training significantly affected the subscales of satisfaction and relationship in parent-child relationship ($p > .05$).

Conclusion: The raising a thinking child package can help parents to use effective strategies, such as problem solving rather non-effective methods like punishment.

Keywords: Educational strategies, parent-child relationship, parenting

1. ***Corresponding Author:** Associate Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, University of Tehran, Tehran, Iran (myekta@ut.ac.ir)

2. Postdoctorate in Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Ph.D. in Psychology of Exceptional Children, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, University of Tehran, Tehran, Iran